

Historiography in the Fatimid era, relying on the blessings of Egyptian virtues and news and properties

Hasan javadinia^{1*} Ali Karam Taherian Qalandar²

1. Assistant professor at Farhangi an Uni versi ty of Bushehr, Iran

2. Farhangi an Uni versi ty sem nary

(Received: 24 September, 2021; Accepted:14 January, 2023)

Abstract

So far, extensive researches have been done in the field of historiography in the Fatimid period of Egypt; But there are still many unsaid angles among historians and history researchers. What is supposed to be investigated in this guide is, with the arrival of the Fatimids in Egypt and the innovation and change in the Egyptian urban system and structure, the way of writing and the style of writing the works of Al-Shathar as the most obvious type of history. Local calligraphy evolved in Egypt. One of those who was able to gain an important place in the field of historiography by entering the political arena and was the source of many works including local historiography and plans is Ibn Zulaq. to obtain diverse and valuable information about the local history and plans of Egypt from the ancient and Islamic periods to the author's own time, and be considered an important reference for the works after him and the historians of plans. In this article, we intend to introduce one of the most important works written in this field, namely the Virtues of Egypt and the News by Ibn Zollaq, with the usual historical, descriptive-analytical method, while reviewing the local historiography of the Fatimid period.

Keyword: Calligraphy, Egypt, Fatimids, Ibn Zulaq, Egyptian virtues and news and properties

DOR: [20.1001.1.28211014.1401.3.2.3.3](https://doi.org/10.28211/1014.1401.3.2.3.3)

تاریخ نگاری در دوره فاطمیان با تکیه بر کتاب فضائل مصر و اخبارها و خواصها ابن زولاق

حسن جوادنیا^{۱*} علی کرم طاهریان قلندر^۲

۱- استادیار دانشگاه فرهنگیان بوشهر، ایران

۲- مدرسی دانشگاه فرهنگیان

(تاریخ دریافت: ۲ مهر ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۴ دی ۱۴۰۱)

چکیده

تاکنون پژوهش‌های دامنه‌داری در زمینه تاریخ نگاری در دوره فاطمیان مصر صورت گرفته است؛ اما هنوز زوایای ناگفته بسیاری نزد مورخان و محققان تاریخ وجود دارد. آنچه مقرر است در این وجیزه بررسی شود، با ورود فاطمیان به مصر و ابداع و تغییر در نظام و ساختار شهری مصر، شیوه تألیف و سبک نگارش آثار خطی به عنوان بارزترین گونه تاریخ نگاری محلی در مصر تحول یافت. یکی از کسانی که توانست با ورود به عرصه سیاست در زمینه تاریخ نگاری نیز جایگاه مهمی برای خود کسب کند و منشأ آثار متعددی از جمله در تاریخ نگاری محلی و خطی باشد، ابن زولاق است وی با تألیف کتاب *فضائل مصر و اخبارها و خواصها* توانست اطلاعات متنوع و ارزشمندی درباره تاریخ محلی و خطی مصر از دوره باستان و دوره اسلامی تا زمان خود مؤلف، به دست دهد و مرجعی مهم برای آثار پس از خود و مورخان خطی محسوب گردد. در این نوشتار برآنیم تا ضمن بررسی اجمالی تاریخ نگاری محلی دوره فاطمیان به معرفی یکی از مهمترین آثار نوشته شده در این زمینه یعنی *فضائل مصر و اخبارها ابن زولاق با روش معمول تاریخی، توصیفی-تحلیلی* بپردازیم.

واژگان کلیدی: خطی، مصر، فاطمیان، ابن زولاق، فضائل مصر و اخبارها و خواصها

مقدمه

یکی از راه‌های مهم بیان توانایی‌ها و آگاهی‌های مورخان اسلامی همواره این بوده که در کنار نوشتن تاریخ سایر ممالک، تاریخ وطن خود را نیز مورد توجه قرار داده و آثاری در این باب تألیف کنند. در واقع همه مردمی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، ارتباط قوی و محکمی را که میان انسان و زادگاهش موجود می‌باشد درک کرده و در صدد بیان آن به شیوه‌های گوناگون می‌باشند. در این میان مردمی که در قلمرو اسلام سکنی داشته‌اند، این وابستگی و تعلق را به شکل عمیق‌تر احساس نموده و بیان کرده‌اند. (روزنتال، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

البته با کمی اطلاع از مبانی دینی اسلام شاید پاسخ این سؤال مشکل نباشد که چرا ریشه‌های چنین تعلق بین انسان و محل تولدش در بین مسلمانان از عمق بیشتری برخوردار است. شاید بتوان گفت که آنچه در بادی امر انگیزه ای قوی برای تاریخ نویسی محلی در بین مسلمانان ایجاد می‌کرد، از آموزه‌های دینی و فقهی ناشی می‌شد که دوستی و عشق به وطن و زادگاه جزئی از ایمان دانسته می‌شد. (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸: ۳۴۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۲۹۹) این انگیزه‌ها تا حدی از شدت و قوت برخوردار بود که گروهی از مورخان اسلامی عدم وجود تاریخچه محلی را به نوعی باعث شرمساری دانسته و معتقد بودند، مورخی که به تاریخ دیگر کشورها می‌پردازد نباید از تاریخ کشور و موطن خود غافل باشد.

شروع به امر تاریخ نگاری کاری دشوار بود. گرچه در ابتدای امر محلی نگاران سعی در الگو برداری از نخستین کارهای انجام شده در این زمینه داشتند ولی عملاً در برداشت‌های بعد شاهد تنوع فراوان در نوع کارهای انجام شده بودیم. شاید دلیل این نوع تنوع ناشی از ماهیت کار بود، بدان معنی که نوع کار عملاً آزادی عمل گسترده‌ای را در اختیار مورخ قرار می‌داد که بدین وسیله می‌توانستند تنوع شکلی و محتوایی گسترده‌ای را عرضه دارند.

بدون شک تاریخ نگاری محلی در کنار سایر گونه‌های تاریخ نگاری اسلامی مسیری پر فراز و نشیب را طی کرد و بدلیل اینکه آگاهی‌های موجود در این گونه آثار منحصر و معطوف به یک منطقه جغرافیایی خاص بود و تصاویر کوچکی از زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهرها را به تصویر می‌کشید؛ لذا این گونه دانش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اغلب حاوی اطلاعاتی سودمند است. (ثواقب، ۱۳۹۳: ۲۳).

تاریخ نگاری محلی که سنت ریشه داری در تاریخ نگاری اسلامی دارد و از قدمت و اصالت ویژه ای برخوردار است، همواره مورد توجه و اهتمام بسیاری از مورخان مسلمان قرار داشته و تاریخ های محلی متنوع و متعددی در باره شهرهای مختلف جهان اسلام، از جمله شهرها و پایتخت های مصر در دوره های گوناگون تاریخی به نگارش در آمده است.

سرزمین مصر که از تاریخ پر فراز و نشیب، هویت فرهنگی، تمدنی اصیل و مشخص جغرافیایی برخوردار بوده است، با فتح اسلامی آن در سال بیستم هجری و پس از آن به لحاظ سیاسی به یکی از پایگاههای استراتژیک تبدیل شد و از جهت فکری، فرهنگی و تمدنی به تدریج ویژگی های اسلامی یافت.

با ورود مسلمانان به مصر، فسطاط به عنوان نخستین مرکز حکومتی اسلامی با ایجاد خطه های متعدد و تقسیم آنها در میان لشکریان فاتح در مصر شکل گرفت. به دنبال آن فتح اسلامی شهرهای مختلف مصر و استقرار نظام اداری، مالی و سیاسی مسلمانان در آنها و ایجاد و برپایی خطط فسطاط و گسترش آن سبب روی آوردن مورخان به تاریخ نگاری محلی شد.

از همان قرن های نخستین اسلامی، اساس و شالوده مکتب تاریخی و تاریخ نگاری خاصی بر مبنای فرهنگ اسلامی در مصر، پایه گذاری شد که در قرن های بعد رشد چشمگیری یافت. افزون بر این، مصر دوره ی اسلامی - که خاستگاه نگارش نخستین تاریخ های محلی جهان اسلام است - به دلیل قانونمندی، استمرار و تداوم تاریخ نگاری محلی در آن، که در قالب یک جریان و فرایند فکری و علمی قابل ملاحظه و ارزیابی است، آفریننده مکتب تاریخ نگاری محلی غنی و اصیلی است که به خطط نویسی شهرت دارد. (نورایی و شعر بافچی زاده، ۱۳۹۰: ۳-۴)

پیشینه پژوهش

راجع به موضوع مورد نظر تاکنون تحقیق جامع و مستقلی صورت نگرفته است؛ اما شماری از پژوهشگران در موضوعاتی نزدیک یا شبیه به موضوع فوق آثاری را ارائه داده‌اند. کتاب «تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی (قرن سوم تا دهم هجری)» تألیف مرتضی نورائی و مهناز شعر بافچی نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در آن تاریخ نگاری محلی در مصر از قرن سوم تا دهم هجری مطرح شده و گزارشی از خطط نویسی که نوعی نوشته ای جغرافیایی تاریخی است که به توصیف نقشه نگاری شهرها و پایتخت‌ها به ترتیب محله اختصاص دارد، ارائه گردیده است. نویسنده در آن نخست کلیاتی درباره پیدایش تاریخ نگاری محلی در مصر دوره اسلامی و پیوند آن با علم حدیث مطرح نموده و سپس فراز و نشیب‌های تاریخی این نوع تاریخ نگاری از قرن سوم تا آغاز دوره فاطمیان را شرح نموده

است. آنگاه وی روند تاریخ نگاری و خطط نویسی در دوره ایوبی، دوره ممالیک بحری، دوره ممالیک برجی و ویژگی های هر یک از این تاریخ نگاری ها را بررسی نموده و تاریخ نگاران و خطط نویسان مشهور در هر دوره را به صورت اجمالی معرفی و نمونه هایی از تاریخ نگاری های آنان را شرح داده است. در چند صفحه نخست کتاب «مختصری در تاریخ اسماعیلیه» نوشته فرهاد دفتری به شکلی گذرا به تاریخ نگاری اسماعیلیان از آغاز تا دوران معاصر پرداخته شده است.

مقاله ای تحت عنوان «شاخصه های تاریخ نگاری فاطمیان در گفتمان تاریخ نگاری اسلامی» از نویسندگان: علی بابایی، فاطمه جان احمدی و هاشم آقاجری، فصلنامه پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا به بررسی شاخصه های تاریخ نگاری فاطمیان پرداخته و در آن ضمن اشاره به اثر پذیری تاریخ نگاری فاطمیان از تاریخ نگاری اسلامی، به نقاط تمایز این گونه تاریخ نگاری با دوره اسلامی پرداخته است. مقاله محمد علی چلونگر «درآمدی بر تاریخ نگاری فاطمیان» مجله آیین پژوهش، که در آن مؤلف ابتدا منابع تاریخی دوره فاطمیان را به دو دسته منابع اسماعیلی و غیر اسماعیلی تقسیم و سپس در ادامه به معرفی و بررسی آثار پدید آمده در این دو منبع در تاریخ نگاری دوره فاطمیان پرداخته است.

تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی مصر در دوره فاطمیان

یکی از مؤلفه های مهم تاریخ نگاری سنتی حضور کمرنگ مورخ در متن تاریخی است. از آنجا که تاریخ نگار سنتی کار اصلی خویش را تنها شنیدن یا دیدن، باور کردن و ضبط کردن وقایع می دانست؛ حضور چشمگیری در متن تاریخی ندارد. چنان که رشیدالدین فضل الله در مقدمه کتاب خود می نویسد: «و بر مورخ نقل حوادث و اخبار و روایت از وقایع و نوازل و آثار از ناقلان معتمد و معتبر راویان مذکور مشتهر باشد، نه عهده صدق و کذب اقوال و افعال.» (همدانی، ۱۳۷۳:

(۸۶۱)

تاریخ نگاری محلی در مصر سنتی دیرین و مستمر داشت. کهنترین اثر بازمانده درباره تاریخ مصر از فتح اسلامی به بعد و نیز وقایع فتح افریقیه و مغرب و اندلس تا سال ۱۲۷ هجری، فتوح مصر و اخبارها تألیف ابن عبدالحکم (متوفی ۲۵۷ ق)، محدث و فقیه مصری است. تاریخ نگاری محلی در دوره فاطمیان (۲۹۶-۵۶۶ ق) که مصر از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کامل برخوردار گردید و به یکی از قدرت های بزرگ جهان اسلام تبدیل شد و شهر قاهره از رشد و اهمیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری و فرهنگی بالایی برخوردار شده بود، صبغی دیگری یافت.

در واقع تأسیس این شهر باعث رشد و گسترش این گونه مطالعات محلی از این پس با سرعت بیشتری به حرکت خود ادامه داد و تاریخ های محلی و آثار خطط با گستره جغرافیایی و موضوعی و مکانی خاص و عام به نگارش درآمد.

شهر فسطاط نیز در دوره فاطمیان مرکز پررونق تجاری، اقتصادی، علمی و فرهنگی دیار مصر به شمار می آمد و از ارزش و اهمیت آن در این دوره هرگز کاسته نشد، مگر در دوره خلیفه المستنصر بالله فاطمی در نیمه قرن پنجم هجری که بحران اقتصادی و اداری و در واقع قحطی هولناکی، مصر را در بر گرفت و این شهر دچار حریق و ویرانی و بی رونقی شد و اکثر اهالی آنجا مُردند (مقریزی، ۱۹۹۵: ۹-۱۰) اما در ادامه مستنصر برای حل این مشکل از فرمانده لشکرش امیر الجیوش بدر الجمالی خواست که امنیت را به سرزمین فسطاط برگرداند. بدین ترتیب با ورود او به صحنه سیاست و تدابیری که اتخاذ نمود، اهالی نجات یافته از قحطی و وبای فسطاط به قاهره روی آوردند و خطه هایی برای خویش ساختند و این اولین بار بود که مردم فسطاط اجازه یافته بودند در قاهره به ایجاد خطط و خانه هایی برای سکونت خویش اقدام نمایند.

بدین ترتیب پس از این قحطی، بافت عمرانی و جمعیتی شهر قاهره دگرگون شد و فسطاط مصر نیز از اواخر قرن پنجم هجری بدست فرمانده مزبور و پسرش ملک افضل شاهنشاه تجدید بنا و به شکل جدیدی در کنار قاهره پدیدار شد. (عنان، ۱۳۸۸: ۴۴)

با وجود تغییر و تحول در ساختار خطط شهر فسطاط اعم از وقوع قحطی و پیامدهای آن، ویرانی اغلب محله ها و بناها و از رونق افتادن این شهر در اواخر دوره فاطمیان، مورخان خطط این دوره و دوره های بعد همچنان به تاریخ خطط فسطاط اهتمام داشته اند. از سوی دیگر مورخان این دوره به توصیف نحوه فتوح اسلامی شهرهای مختلف مصر، بیان فضایل و محاسن و تفاخرات بومی، توصیف خطط فسطاط و بیان شرح حال مشاهیر محلی، اعم از صاحب منصبان سیاسی، قضایی و بزرگان دینی و علمی در شهرهای مصر پرداختند. معرفی و توصیف و تعیین موقعیت محلات و خانه ها و بناهای شهر قاهره و تغییر در بافت عمرانی و جمعیتی آن و وقایع و رخدادها و توسعه و رشد آن در طول زمان همواره مورد توجه مورخان محلی دوره های بعد از فاطمیان نیز بوده است.

با مطالعه شواهد و قرائن موجود، تاریخ نگاری محلی در دوره فاطمیان نه به صورت یک جریان غالب؛ بلکه به عنوان گونه ای مهم از تاریخ نگاری اسلامی، همگام با انواع دیگر تاریخ نگاری پدیدار شد و مسیر خود را به سوی رشد و کمال پیمود و آثار مختلفی را که چشم اندازهای متنوع تاریخ نگاری محلی را در خود انعکاس می دهد، بر جای نهاد. مورخان

این دوره با رویکرد روایی-توصیفی و نداشتن روحیه تحلیل‌گرایانه، آثار خود را عمدتاً در قالب‌های خط‌نگارانه، تراجم‌نگارانه، وقایع‌نگارانه یا ترکیبی از اینها نگاشته‌اند. مورخان نظیر: ابن زولاق، ابو القاسم بن غنایم خطیب، محمد بن عبیدالله بن احمد مسبحی، ابو عبدالله قضاعی، ابن البرکات النحوی و ابو الصلت اندلسی، از بارزترین تاریخ‌نگاران محلی در این دوره‌اند.

گفتنی است که در این دوره علاوه بر مورخان مسلمان، برخی مصریان قبطی که در خدمت خلفای فاطمی بودند نیز به تاریخ‌نگاری محلی اهتمام نموده‌اند. اینان که برخی از دبیران و مورخان و متکلمان قبطی دربار فاطمیان بودند، آثاری به نگارش درآوردند که پیوند نزدیکی با تواریخ محلی دارد. از جمله این آثار که درباره بومیان قبطی مصر در این دوره به نگارش درآمده می‌توان به تاریخ بطارکه الکنیسه المصریه معروف به سیرالبیئه المقدسه تألیف ساویروس مشهور به ابن مقفع اسقف شهر اشمونین و دبیر و کاتب دیوان خلیفه المعز لدین الله اشاره نمود. این اثر در حوزه تاریخ اجتماعی قبطیان است. تاریخ اوتیخا نوشته سعید بن بطریق معروف به اوتیخا اثری دیگر در این زمینه است. وی تاریخ خود را تا سال ۴۲۲ق به نگارش درآورد. سپس سعید انطاکی (م ۴۵۸ق) کتاب مزبور را با نام جدید تاریخ انطاکی یا صله تاریخ اوتیخا ادامه داد که شامل تاریخ قبطیان و کلیساهای آنها در مصر دوره نخستین قرن خلافت فاطمی است. (نورایی و شعر بافچی زاده، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۲)

در ادامه به معرفی یکی از معروفترین مورخان تاریخ محلی و فاطمیان و اثر معروف وی فضائل مصر و اخبارها و خواصها می‌پردازیم.

زندگی علمی و سیاسی ابن زولاق

فرایند تاریخ‌نگاری در مصر قرن چهارم هجری، شاهد نگارش اثری با عنوان «فضائل مصر و اخبارها و خواصها» می‌باشد. پدیدآورنده این اثر، ابو محمد حسن بن ابراهیم بن حسین بن زولاق اللیثی المصری معروف به ابن زولاق است. وی در سال ۳۰۶ق در فسطاط به دنیا آمد و همزمان در زمینه فقه، حدیث و تاریخ به کسب علم پرداخت. وی ابتدا در فقه، پیرو مذهب شافعی بود و از فقهای زمان خود به شمار می‌آمد، اما چندی بعد به تشیع اسماعیلی گروید. از شیوخ وی می‌توان از ابو عمرو کندی نام برد که علم تاریخ را نزد وی آموخت و همچون وی به تاریخ مصر علاقمند گردید. (ابن خلکان، بی تا: ۹۱؛ مقریزی، ۱۴۱۱: ۲۸۴).

ابن زولاق در فصلی از کتاب خود، به معرفی خاندان‌های برجسته شیعه امام جعفر صادق(ع) در مصر می‌پردازد. وی از جد پدری خود، حسن بن علی بن زولاق یاد نموده و موقعیت فقهی و اجتماعی اجدادش را خاطر نشان می‌نماید. آنگاه خاندان خویش را با به عنوان یکی از خاندانهای علمی با نفوذ اسماعیلی مذهب در مصر قرون سوم و چهارم هجری، مطرح می‌کند. (ابن زولاق، ۱۴۲۰: ۴۹)

افزون بر مقام و موقعیت علمی و فقهی برجسته ای که ابن زولاق داشت، در عرصه سیاست نیز فعالیت می‌نمود. وی در دستگاه حاکمان اخشیدی مصر، مقام و منزلت داشت و به ویژه در زمان کافور اخشیدی در سال ۳۴۷ق به سفارت آنان انتخاب و در رأس هیئتی به دربار سیف الدوله علی بن عبد الله بن حمدان، اعزام شد.

ابن زولاق، مورخ برجسته قرن چهارم هجری شاهد یکی از بزرگترین تحولات سیاسی مصر، یعنی فتح مصر به دست فاطمیان اسماعیلی مذهب در سال ۳۵۸ق بود.

خلیفه المعز الدین الله فاطمی در سال ۳۶۲ق از مغرب به مصر آمد و زمانی که مردم برای دیدن او در محله حفص شهر فسطاط تجمع نمودند، ابن زولاق نیز از جمله شخصیت هایی بود که به خلیفه فاطمی خوش آمد گفت و خطبه ای در مدح و ستایش وی ایراد نموده، فضیلت های او را بر شمرد. (مقریزی، ۱۹۹۵: ۲۸۵-۲۸۶)

به علاوه، مقریزی بر این باور است که ابن زولاق با قدرت گرفتن فاطمیان در مصر، به خدمت آنها در آمده در دیوان مظالم، مقام نظارت یافت و تحت تأثیر آنها به مذهب شیعه اسماعیلی گرایش یافت. (همان: ۲۸۵)

آثار ابن زولاق که از موقعیت علمی، فقهی و سیاسی برجسته ای در مصر قرن چهارم هجری برخوردار بود، توجه مورخان و نویسندگان بعدی را به خود جلب کرده است. اینان گاه به صراحت و با ذکر نام و اغلب بدون ذکر نام مطالب خود را از نوشته های ابن زولاق گرفته اند. به عنوان مثال کسانی مانند یاقوت، ابن خلکان، ابن دقماق، نویری، مقریزی، ابن حجر، و ابن میسر، سیوطی، قلقشندی از جمله کسانی هستند که از ابن زولاق در آثار خود نقل کرده اند. (زرکلی، ۱۹۹۰: ۲۰۶) یکی از دلایل اهمیت آثار او این است که حاوی رخدادهای و وقایعی بوده که ابن زولاق شخصاً به چشم دیده یا در مجاورت او اتفاق افتاده و شنیده است (سیف آزاد، ۱۳۶۸: ۸۷).

وی که شوق وافر به آموختن و خواندن و نگارش تاریخ داشت، همیشه این شعر را زمزمه می نمود که «پیوسته در نوشتن تاریخ می کوشیدی تا اینکه نام خودت هم جزء تاریخ درآمد و از این جهان درگذشتی». (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۷/۳).

ابن زولاق پس از سالها فعالیت در عرصه سیاست و تاریخ نگاری در ۲۵ ذی القعدة سال ۳۸۷ ق در زمان خلافت الحاکم بامرالله فاطمی در مصر وفات نموده و در جبل مقطم به خاک سپرده شد. (سعدی الشارعی، ۱۴۱۵: ۲۵۶؛ ابن خلکان، بی تا، ۹۱/۲؛ مقریزی، ۱۴۱۱: ۲۸۴/۳) وی صاحب تألیفات متعددی در حیطه های سیره نویسی، خطط نویسی و جغرافیای محلی مصر و شهرهای آن، به شرح ذیل بوده است:

۱. سیره الاخشید: ابن زولاق که در خدمت اخشیدیان بود و تاریخ نگار دستگاه آنها به شمار می آمد، به نگارش سیره امرای اخشیدی اعم از سیره محمد بن طغج الاخشیدی و سیره الکافور همت گماشت که اکنون از جمله آثار مفقود شده او می باشد. (همان: ۲۸۵)

۲. اخبار قضاة مصر یا کتاب القضاة بمصر: ذیلی بر کتاب والیان و قاضیان مصر نوشته ابو عمر محمد بن یوسف کندی (متوفی ۳۵۰ق) است که ابن زولاق به تکمیل آن اثر پرداخت و شرح حال قاضیان مصر را تا سال ۳۸۶ق به نگارش در آورد. (سعدی الشارعی، ۱۴۱۵: ۲۵۵)

۳. اخبار سبویه المصری: درباره یکی از ادیبان، نحویون و فقهای شافعی معاصر ابن زولاق یعنی ابوبکر محمد بن موسی بن عبد العزیز کندی مصری (۲۸۴-۳۵۸ق) است. (بروکلمان، بی تا، ۸۴/۳)

۴. سیره المذرایین: که درباره خاندان شیعه ماذرایی که از خاندان های برجسته دیوانی مصر در قرن چهارم می باشد. (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۲۲۶/۷)

۵. تاریخ الکبیریا به زعم ابن زولاق الکبیر فی تاریخ مصر و اخبارها: از حجیم ترین آثار او به شمار می آمده است و در فضائل مصر و اخبارها و خواصها چندین بار بدان استناد نموده است (مقریزی، ۱۴۱۱: ۲۸۶/۳)

۶. خطط مصر: که از جمله آثار مفقود شده در عرصه خطط نویسی و به طور مستقل به ارزیابی آن در جریان تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی مصر، پرداخته می شود. (سعدی الشارعی، ۱۴۱۵: ۲۵۵؛ ابن خلکان، بی تا، ۹۱/۲)

۷. الموازنه بین مصر و بغداد فی العلم و العلماء و الخیرات: که در آن به مقایسه فضائل و محاسن مصر و بغداد و اثبات برتری اقلیم مصر پرداخته است. (ابن الظهیرة المخزومی، ۱۹۶۹: ۱۳۱-۱۳۷)

۸. فضائل مصر و اخبارها و خواصها که حاوی چشم اندازهای تنوع تاریخ نگاری محلی قدیم است و با استناد به ابن زولاق، این اثر مختصری از کتاب حجیم تر او با عنوان الکبیر فی تاریخ مصر و اخبارها است. (ابن زولاق، ۱۴۲۰: ۶۰) و کتب دیگری چون اخبار عمرو عاص، سیره المعز، و نیز سیره الجوهر می باشد.

در ادامه به معرفی اثر معروف ابن زولاق یعنی فضائل مصر و اخبارها و خواصها که درباره تاریخ نگاری محلی مصر است، می پردازیم.

فضائل مصر و اخبارها و خواصها

در فرهنگ اسلام، فضایل نگاری و ثبت فضیلت داران، پیشینه کهنی دارد و به صدر اسلام برمی گردد؛ بدین گونه که بخشی از روایات نقل شده از پیامبر (ص) درباره برخی از صحابه است که به فضایل آنان پرداخته پرداخته و در مناسبت های گوناگون از آنها یاد فرموده است. با رونق تاریخ نگاری محلی در میان مورخان اسلامی و گسترش شعب این دانش، فضیلت نگاری در باره شهرها نیز به مرور زمان در دستور کار قرار گرفت و مورخان در این زمینه سعی نمودند علاوه بر توصیف شهرها - از نظر تاریخ و جغرافیا، تقسیمات، بلوکات، تاسیسات و سایر موارد- آگاهی های ارزشمندی در باب اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و علمی و بخصوص مشاهیر آن شهرها در سده های مختلف به دست دهند. (ثواقب، ۱۳۹۳: ۷)

در مصر آگاهی از تاریخ پیش از اسلام مانند سایر ملل مفتوح دیگر، و تفاخر به آن زنده بود و در شماری از تواریخ محلی تجلی یافت. ابن زولاق از جمله کسانی بود که به نگارش کتابی در باب تاریخ مصر و ستایش آن با عنوان کلی «فضائل مصر و اخبارها و خواصها» پرداخت. این کتاب همانند همه تواریخ محلی دینی، با اشاراتی از آیات قرآن و احادیث راجع به مصر آغاز می گردد؛ اما آنگاه با اطلاعاتی از روم شرقی در مورد مصر به منزله موطن فلسفه و علوم یونانی، به بحث ادامه می دهد. به دنبال آن، تاریخ مصر در روزگاران پیش از اسلام تا فتح اسلام می آید. سپس خانواده های متشخص شیعه و سایر مسلمانان مصری بر شمرده می شوند و سرانجام ملاحظاتی در مورد موضع نگاری (خطط)، فرآورده های کشاورزی و صنعتی مصر، و تقویم مورد استفاده مردم آن سرزمین به عمل می آید (روزنتال، ۱۳۶۸: ۱۷۸). ابن زولاق این اثر را در یازده فصل با موضوعات متنوع به نگارش درآورد که در ادامه به محتوای هر کدام از فصول آن به صورت مختصر اشاره می کنیم:

ابن زولاق این اثر خود را با بیان فضایل و محاسن دیار مصر آغاز می کند. وی با استناد به ۲۸ آیه از قرآن که مستقیم یا غیر مستقیم به مصر و شهرهای آن، قوم قبط، فراعنه، بنی اسرائیل و پیامبرانی که در آن سرزمین ظهور کرده اند، اشاره دارد، به بیان فضیلت ها و برتری دیار مصر که از چشم اندازهای تاریخ نگاری محلی مصر به شمار می آید، می پردازد. سپس روایات و احادیثی از پیامبر(ص) درباره مصر و اهالی آن و برخی شهرهایش نقل می کند. (ابن زولاق، ۱۳۲۰: ۳-۸) آنگاه به ترتیب به بیان دعاهایی که پیامبران مختلف در حق مصر و شهرهای آن نموده اند، وجه تسمیه مصر و قبط- که نام آنها برگرفته از نام نوادگان نوح(ع) بوده است- می پردازد و توصیفی را که علمای مختلف از مصر نموده اند با ذکر نام و عباراتشان بیان می کند. (همان: ۹-۱۲) به نظر می رسد منبع او در این بخش، فتوح مصر و اخبارها ابن عبد الحکم بوده، چرا که عیناً برخی از مطالب او را نقل کرده اما بدان اشاره نمی کند. (ابن عبد الحکم، ۱۴۲۰: ۴۹-۶۹)

ابن زولاق فصل بعدی اثر خود را با استناد به آیات از قرآن به ذکر انبیائی که در دیار مصر متولد شده و به رسالت رسیده اند و در نهایت در همان جا درگذشته اند، اختصاص داده است. از جمله تولد حضرت عیسی بن مریم را در زیر درخت خرمایی در محلی به نام « اهناس » با استناد به آیه ۲۵ سوره مریم شرح می دهد. (اللیثی المصری، ۱۴۲۰: ۱۳)

در مرحله بعد به زنان و مردان مؤمنی که در مصر عهد فرعون می زیسته اند، از جمله آسیه و ماشطه همسر و دختر فرعون و احادیث و روایاتی منسوب به پیامبر(ص) درباره نیکی و فضیلت آنها می پردازد. (همان: ۱۴-۱۵)

وی که مصر را سرزمین علم و حکمت دانسته، به معرفی علما و حکمایی که از مصر برخاسته بودند و نیز آثار آنان پرداخته و موطن علوم یونانی اعم از فلسفه، منطق، نجوم، کیمیا، حساب و هندسه و رونق آنها را مصر می داند. (همان: ۱۵-۲۰)

در فصل بعد به معرفی پادشاهان و فرمانروایان مصر از زمان طوفان نوح تا فتح عربی و اسلامی آن می پردازد و تعداد آنها را پنجاه و سه نفر ذکر می کند. در واقع وی در این فصل، شمه ای از تاریخ مصر باستان از جمله تاریخ فراعنه، بخت النصر، عمالقه، و در نهایت تسلط ایرانیان و رومیان بر این سرزمین و تقسیم آن میان دو قدرت بزرگ عهد باستان را بیان می کند. شایان توجه است که وی هنگام بحث از برخورد میان ایرانیان و رومیان با آیات اول تا پنجم سوره روم، کلام خود را مستند نموده است. (همان: ۲۰-۲۴)

از این پس اطلاعاتی که ابن زولاق ارائه می دهد، مربوط به مصر دوره اسلامی است. وی در فصلی مستقل به فتح مصر به دست عمرو عاص و برخورد او با مقوقس فرمانروای مصر و همراهی برخی قبطیان و رومیان با عمرو می پردازد. افزون

بر این به اختصار، چگونگی استقرار اعراب فاتح در فسطاط اولین پایتخت مصر اسلامی و خططی که به فاتحان مسلمان و همراهانشان اختصاص یافت را خاطر نشان می کند. (همان: ۲۴-۲۵)

فصل بعد از یک سو به ذکر والیانی که از فتح مصر در سال بیستم هجری تا سال ۳۶۲ق یعنی از زمان عمروعاص تا جوهر سیسیلی که بر مصر ولایت داشتند و از سوی دیگر به معرفی عاملان خراج و قاضیان مصر از زمان فتح تا سال ۳۷۲ق اختصاص دارد. (همان: ۲۷)

وی در فصل بعد به معرفی برجسته ترین عالمان، راویان، فقیهان، محدثان، شعرا و متکلمان مصر از قرن اول هجری تا زمان حیات خود می پردازد. (همان: ۲۷)

در مرحله ی بعد، ابن زولاق که مصر را « دار تشیع » می داند، به معرفی خاندان های معروف و متشخص شیعه و علویانی که از قرن اول هجری تا زمان حیات او به مصر مهاجرت نموده و استقرار یافتند و نیز فرزندان آنها که در مصر به دنیا آمدند، می پردازد. از جمله مؤلفه هایی که وی در معرفی هر خاندان ارائه می دهد، نام خاندان ها، معرفی اعضای برجسته آنها، صفات و تبخر آنها در علوم مختلف و معرفی فرزندان و نوادگان آنهاست. در واقع وی نقش و موقعیت اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و مذهبی خاندان های شیعی و تعداد آنها را در مصر دوره اسلامی، خاطر نشان می کند. (همان: ۴۳-۴۶)

در فصل بعد، ابن زولاق به بیان کاروانسراها و مساجد شریفه ای می پردازد که در شهرهای مصر ایجاد شده بود و به عنوان منزلگاهی قابل احترام و محل اطعام و سکونت حاجیان و زائرانی که از غرب به شرق و بالعکس به مصر می رسیدند، به حساب می آمد. (همان: ۴۹)

در فصل بعد به معرفی مکان های شریفه ای چون وادی مقدس طور، نخل مقدس که عیسی (ع) زیر آن به دنیا آمد و نیز موارد دیگر می پردازد. ابن زولاق که بر کثرت بقاع، مناطق و مکان مقدس در مصر اذعان دارد، به منظور پرهیز از طولانی شدن کلام خود، از ذکر آنها صرف نظر می کند. (ابن زولاق، ۱۴۲۰: ۵۴)

فصل بعدی فضائل مصر و اخبارها و خواصها که مشتمل بر اطلاعات جغرافیایی است، به توصیف مصر و اخبار آن با استناد به آیاتی از قرآن، توصیف نهرها، باغ ها، درختان پر بار شهرها، خلیج ها و سدهای رود نیل که از زمان باستان (زمان یوسف) بر آن زده شده بود، حفر خلیج امیر المؤمنین در زمان عمرو بن عاص و موقعیت آن بر روی نیل، نحوه بهره

برداری از آن از سوی مصریان، می پردازد. وی در نهایت از ارتباط برقرار شدن بین فسطاط، تنیس و قلم از طریق آن خلیج سخن می گوید و بر این باور است که تا زمان او هیچ خلیج دیگری غیر از آن بر رود نیل حفر نشد. (همان: ۵۴-۵۶)

یکی از چشم اندازهای تاریخ نگاری محلی، توصیف شهرها از نظر محصولات، فرآورده ها و صنایع خاص آنهاست. ابن زولاق نیز در فصلی از فضائل مصر و اخبارها و خواصها به معرفی کور (شهرهای) مصر و آنچه در هر کدام وجود دارد می پردازد. او پس از ذکر نام هر کوره (شهر) به بیان محاسن و فضایل آن، آثار و بناها، محصولات شهرها اعم از انواع سلاح ها، پارچه ها و جامه ها، میوه ها و نوشیدنی های خاص آن شهر می پردازد. (همان: ۵۶)

فصل دیگر به بیان عجایب شهرهای مصر اختصاص دارد. ابن زولاق با استناد به سخن برخی حکما، عجایب دنیا را سی مورد می داند که بیست مورد آن در مصر و ده مورد دیگر در نقاط دیگر دنیا وجود داشته است. او ابتدا به بیان عجایب دیگر نقاط جهان و سپس به شهرهای مصر می پردازد. آنگاه عجایب شهر منف، مجسمه ابوالهول در عین شمس، لوبیه زادگاه ذی القرنین، قبرهرمس، اهرام مصر و موارد دیگر را نام می برد و با آیاتی از سوره الرحمن نیز، کلام خود را مستند می کند.

ابن زولاق فصل بعد را به اختصار به رود نیل و فضایل آن با استناد به احادیث و روایاتی منسوب به پیامبر(ص) اختصاص داده است. افزون بر این در مورد موقعیت رود نیل در مصر باستان از جمله زمان حضرت موسی (ع) حفر خلیج و ترعه [آبراه] و ایجاد پل بر روی آن، موقعیت منحصر به فردش به لحاظ جغرافیایی و مرتبط شدن دریاهاى غرب و شرق از طریق آن رود، سخن می گوید. آنگاه به ذکر اشعاری از شاعران در فضیلت رود نیل، امواج آن، هوای پاک شهرهایی که رود نیل از آنها می گذرد و حاصلخیزی زمین ها و درختان اطراف آن می پردازد.

نظام مالیاتی مصر در دوره های باستان و اسلامی، محتوای فصل دیگری از اثر او را تشکیل می دهد. ابن زولاق درباره عواملان خراج، میزان و چگونگی گرفتن خراج شهرها گاه موارد مصرف آن اعم از رسیدگی به مردم، ساخت پل ها و سدها، تقویت زارعان، انجام کارهای عمرانی شهرها، حفر خلیج و کانال بر روی نیل و موارد دیگر از سوی فرمانروایان و والیان مصر، اطلاع می دهد.

ابن زولاق در فصل بعد با عنوان « قبرستان فسطاط مصر (المقطم) و فضائل آن » به فضائل مکان های مقدس مصر اعم از سرزمین مقدس کوه طوی (طور) و دامنه جبل مقطم - که آرامگاه مسلمانان گردید - با استناد به آیاتی از سوره طه و احادیثی از پیامبران همچون عیسی بن مریم (ع) می پردازد. آنگاه به صورت مفصلتر از معادن و ذخائر و خاک و تربت آن

و مناظره مقوقس و عمرو عاص در مورد آن منطقه، آگاهی می دهد. سپس به ذکر روایات متعددی در فضیلت این آرامگاه می پردازد و از قول کسانی چون حسن بصری و کعب الاحبار، از برخی امیران و شخصیت های برجسته ای همچون عمرو بن عاص و کافور اخشیدی که در جبل مقطم دفن شده بودند، نام می برد.

ابن زولاق در این فصل بار دیگر به بیان محصولات خاص برخی شهرهای مصر از جمله پارچه ها و نوشیدنی ها و خوردنی های تنیس، دمیاط و منطقه صعید مصر می پردازد و فضائل و محاسن شهرهای مصر را نسبت به دیگر شهرهای جهان برمی شمرد. از جمله کالاها و فراورده های خوراکی و صنعتی مصر که به زعم ابن زولاق، بهترین آنها در شهرهای مصر به عمل می آمده و از آنجا به دیگر نقاط عالم صادر می شده، عبارت است از: اسبف افیون، عسل، ماهی ابرمیس (ماهی بومی دریاچه تنیس)، خرما، زیتون و گندم. ابن زولاق علاوه بر محصولات شهرها، گونه های حیوانی خاص مصر از جمله نوعی گاو، زرافه، کرگدن، و نیز انواع گل ها و گیاهان محلی مصر را معرفی می کند. وی در نهایت به توصیف مصر، آب و هوای آن، رود نیل و چگونگی فصول مختلف در مصر و گاه به مقایسه ویژگی های آن با دیگر بلاد اسلامی از جمله عراق و شهرهای کوفه، بغداد، شام و بصره می پردازد و برتری های مصر از جمله طول عمر مردم در مصر، شیرینی آب نیل و موارد دیگر را خاطر نشان می کند و می گوید: ما از فضایل مصر گفتیم و حکمای آن را معرفی نمودیم. به راستی که مصر سرزمین حکمت است و در دنیا نظیری برای آن نیست بناها و آثار و نهرهای آن زینتی برای اهالی آن سرزمین می باشد.

آخرین فصل کتاب فضائل مصر و اخبارها و خواصها که از جمله فصول بدیع و منحصر به فرد آن است، حاوی اطلاعاتی پیرامون تقویم قبطی مصر است که مردم آن دیار از آن استفاده می کرده اند. ابن زولاق ابتدا به بیان نام دوازده ماه قبطی، که به ترتیب عبارت است از: توت، باب، هتور، کیهک، طوبه، امشیر، برمها، برموده، بشنس، بئونه، ایب، و مسری، می پردازد و سپس ذیل هر ماه از پسندیده و مفید بودن یا نکوهیده و مضر بودن انجام برخی امور روزانه مصریان گزارش می دهد. وی که در واقع نوعی طالع بینی ماه های قبطی را به صورت مختصر و مفید ارائه نموده، کاربردی بودن تقویم کهن قبطی را در زندگی روزانه مردم مصر و اتکاء کردن اهالی را بدان، خاطر نشان می کند. از جمله امور و کارهایی که وی، پسندیده یا نکوهیده بودن آن را در هر ماه قبطی توصیف و تحلیل می کند عبارت است از: تجارت، سفر، دوستی با دیگران، ازدواج، زراعت و کاشت فلان محصول یا گل، خوردن بعضی خوردنی ها و نوشیدنی ها، طغیان یا نقصان رود نیل و ... (نورایی و شعرباغچی زاده، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۴)

ابن زولاق این فصل از اثر خود را نیز به منبع مکتوب یا راوی خاصی ارجاع نداده است. اما بنابر عنوان این فصل و محتوای آن، چنین استنباط می شود که وی شاهد کاربرد اهالی مصر از آن تقویم بوده است که از مصر قدیم تا زمان او، نسل اندر نسل در میان آنان به کار می رفته است. افزون بر این وی با استناد به گفته های برخی حکما و شیوخ مصر به بیان مطالب خود پرداخته است.

با شواهدی که ابن زولاق در این فصل ارائه نموده، در قرن چهارم هجری، پس از گذشت حدود سه و نیم قرن از ورود اسلام به سرزمین مصر، مصریان همچنان به سنت های فرهنگی خویش پایبند بوده و از تقویم باستانی خویش را که بر اساس ماه های قبطی تنظیم شده بود، استفاده می کرده اند.

در پایان بیان این نکته ضرورت دارد که ابن زولاق در این اثر خود هیچ اشاره ای به ورود فاطمیان به مصر و شهر قاهره ننموده است، بنابراین تاریخ نگارش آن قبل از سال ۳۵۸ق بوده است. اما او که به بیان قاضیان مصر از فتح مصر تا سال ۳۷۲ق پرداخته، به نظر می رسد به اثر خود در سالهای بعد نیز مطالبی افزوده باشد. (نورایی و شعرباچی زاده، ۱۳۹۱: ۹۴)

نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی می توان چنین نتیجه گرفت با ورود فاطمیان به مصر و تأسیس شهر قاهره به عنوان پایتخت خلافتشان و ابداع و تغییر در ساختار شهری مصر، شیوه تألیف و سبک نگارش آثار خطط به عنوان بارزترین تاریخ نگاری محلی در مصر تحول یافت و تاریخ نگاری محلی در این دوره که مصر از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کامل برخوردار گردید و به یکی از قدرت های بزرگ جهان اسلام تبدیل شد و شهر قاهره از رشد و اهمیت سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری و فرهنگی بالایی برخوردار شده بود، رنگ دیگری یافت. تأسیس این شهر سبب رشد و گسترش این گونه مطالعات و نوشته های تاریخی محلی و بویژه خطط نویسی گردید. تاریخ نگاری محلی از این پس با سرعت بیشتری به حرکت خود ادامه داد و تاریخ های محلی و آثار خططی با گستره جغرافیایی و موضوعی و مکانی خاص و عام به نگارش در آمد که آثار آنها عمدتاً مرجعی برای مورخان بعدی و آثاری پخته تر و منظم تر چون خطط مقریزی قرار گرفت.

البته فراموش نباید کرد که تسامح و مدارای خلفای فاطمی با پیروان دیگر مذاهب سبب روی آوردن مورخان زیادی به دستگاه حکومتی آنها شده و این مورخان در کنار پرداختن به مشاغل دولتی به ثبت و ضبط جزئیات این سلسله و نیز در تاریخ محلی و خطط پرداختند که کتاب فضائل مصر و اخبارها ابن زولاق یکی از این شاهکارهاست که در آن مخاطب با انبوهی از اطلاعات که چشم اندازهای متنوع تاریخ نگاری محلی در مصر، اعم از بیان فضائل و محاسن شهرهای

مصر، توصیف آثار و خطط باستانی و محلی و صنایع خاص شهرها، خاندان های برجسته مصر و تأثیر آنها در موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شهرهای آن، شرح حال شخصیت های برجسته علمی، فرهنگی، دینی، سیاسی، و نظامی، توصیف مزارات و آرامگاه ها و مکان های مقدس، توصیف آثار و بناها و شهرهای باستانی، گونه های گیاهی و حیوانی شهرهای مصر، جغرافیای اقلیمی و تاریخی و در نهایت تقویم محلی قبطیان، مواجهه می کند.

گستره مکانی و جغرافیایی این اثر، عام و با محوریت مصر است که حاوی اطلاعات کلی درباره مصر و اطلاعات جزئی و کلیدی درباره خطط شهرهای باستانی و جدید آن اعم از منف، قبط، عین شمس، فسطاط، اسکندریه، فیوم، دمياط، فرما، تنیس، و صعید مصر است و عام بودن گستره جغرافیایی آن در تاریخ نگاری محلی مصر، اثبات می شود. گستره زمانی این اثر نیز متغیر و طولانی است؛ زیرا حاوی اطلاعاتی از دوره باستان و اسلامی مصر تا زمان حیات مورخ است. استناد به آیات قرآنی، احادیث و روایات نبوی و اشعار شاعران - که از شاخصه های تاریخ نگاری محلی در مصر دوره اسلامی نیز هست - در این اثر بسیار مشاهده می شود.

منابع و مأخذ

- ابن خلکان، شمس الدین بن احمد بن ابی بکر (بی تا)، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ابن زولاق، حسن بن ابراهیم بن حسین اللیثی المصری (۱۴۲۰ق)، فضایل مصر و اخبارها و خواصها، تحقیق علی محمد عمر، قاهره، المكتبة الخانجی، چاپ دوم.

- ابن الظهیرة مخزومی، ابوطیب احمد بن محمد بن محمد بن حسین بن علی (۱۹۶۹م)، الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره، تحقیق مصطفی السقا، قاهره، دار الکتب المصریه.

- ابن عبد الحکم، ابو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله (۱۴۲۰ق)، فتوح مصر و اخبارها، تحقیق محمد الحجیری، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.

- برو کلمان، کارل (بی تا)، تاریخ الادب العربی، ترجمه عبد الحلیم النجار، قاهره، دار المعارف، ج ۳.

- ثواقب، جهانبخش، «نگرشی بر جایگاه و اهمیت سنت تاریخ نویسی محلی ایرانی»، دو فصلنامه پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۶-۴۰
- حموی، شهاب الدین ابی عبد الله یاقوت (۱۳۸۱ ش)، معجم الادباء، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر سروش.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۸۵ ش)، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، .
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۰م)، الاعلام، ج ۱-۸، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ نهم.
- سعدی الشارعی، موفق الدین بن عثمان (۱۴۱۵ ق)، مرشد الزوار الی قبور الابرار، تحقیق محمد فتحی ابوبکر، قاهره، دار المصر اللبناویه، چاپ اول.
- سیف آزاد، عبدالرحمن (۱۳۶۸ ش)، تاریخ خلفای فاطمی، تهران، نشر دنیای کتاب.
- عنان، محمد عبدالله (۱۳۸۸ ش)، مصر الاسلامیه و تاریخ الخطط المصریه، قاهره، چاپ دوم، المكتبه الخانجی.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶ ض)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۹۹۵م)، المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الاثار، تحقیق ایمن فؤاد سید، لندن مؤسسه الفرقان لتراث الاسلامی، چاپ اول.
- (۱۴۱۱ م)، المقفی الکبیر، تحقیق محمد الیغلاوی، بیروت دار الغرب الاسلامی، چاپ اول.
- نورایی، مرتضی و مهناز شعر بافچی زاده (۱۳۹۰ ش)، تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی مصر دوره اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۷۳ ش)، جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)، تصحیح محمد روشن، تهران، میراث مکتوب.